

سینما و تصویر افسردگی

«برادرم خسرو»

فیلمی به کارگردانی: احسان بیگلری

محصول ایران، سال ۱۳۹۴

نشریه گندم، با مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی

• به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

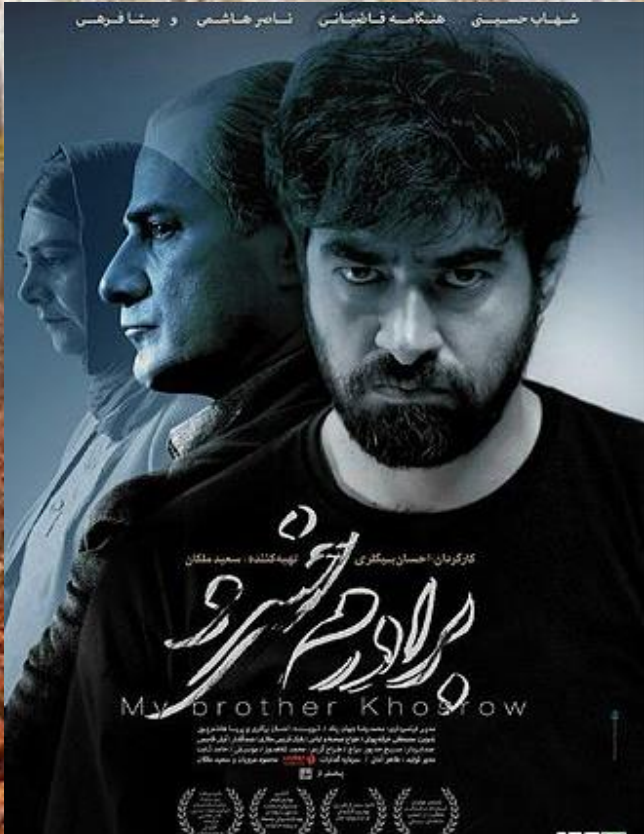


پنجاه و نهمین

کانون فرهنگی هنری گندم،

با مجوز از جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

شماره ۱۳۹۹/۰۴/۰۱ ص، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱





صفحه اول

صفحه دوم

صفحه سوم

صفحه چهارم

صفحه پنجم

صفحه ششم

صفحه هفتم

صفحه هشتم

صفحه آخر

خلاصه‌ای از داستان /

فیلمنامه /

ساختار /

فرامتن روانشناسانه /

درک معنا و کمال فیلمنامه /

روایت /

نکات قابل تأمل /

دیالوگ

مختصری درباره مجموعه فرهنگی اجتماعی گندم



شرح مختصری از داستان

خسرو (شهاب حسینی) به اختلال دوقطبی مبتلاست و با خواهرش زندگی میکند، بنا بر شرایطی خواهر او مجبور به مسافرت می‌شود و خسرو مجبور شده مدتی در منزل برادرش ناصر که دندانپزشک است زندگی کند و در این مدت اتفاقاتی برای او در منزل برادرش رخ می‌دهد.

تعریف افسردگی

از روزی که انسان وارد کره زمین شد اضطراب و افسردگی همراه با انسان بوده است. انسان در اولین لحظات تولد با گریه به دنیا می‌آید و این گریه برای اضطراب است. از یک بهشت به یک جای باز و رعب‌آور آمده، که به آن ترومای تولد می‌گویند. سایر موجودات کره زمین مضطرب و افسرده نیستند. آنها بیشتر می‌ترسند. (ترس حالتی است که ما یک موضوع ترسناکی را می‌بینیم. اضطراب حالتی است که هیچ چیز ترسناکی نمی‌بینیم ولی خیال می‌کنیم خواهیم دید).






فیلمنامه‌ای منسجم که انواع افسردگی (افسردگی، دو قطبی، افسردگی منجر به خشم و....) را در خود دارد، این فیلم با تکیه تحقیقی گسترده و جامع شکل گرفته، که به درک و باورپذیری برای مخاطب آسان می‌کند.

با توجه به اینکه بیماران با این خصوصیات که در ظاهر خوب هستند اما در مجموع باعث اختلال در جامعه می‌شوند به او کمک کرده تا با یک شخصیت پردازی منسجم فیلمنامه‌ای بی‌نقص در معرفی حالات این بیماری بنویسد که قابل تقدیر است.

در حال حاضر به فیلم‌هایی با موضوعات روانپزشکی و بیماری‌های روانی اهمیت زیادی داده می‌شود و فیلم برادرم خسرو فیلم موفق‌تری در به تصویر کشیدن یکی از بیماری‌های خاص در این زمینه است و با توجه به اینکه افسردگی در فصل پاییز و در دوران شیوع کرونا در اوج خود قرار دارد این فیلم انتخابی برای معرفی و پرداخت به این فیلم است.

 ارجاعات: نام‌های دوبرادر که در فیلم اشاره به آن می‌شود، زمانی که نام ناصر و خسرو به گوش مخاطب می‌رسد ناگهان یاد خیابانی به همین نام می‌افتد که بورس فروش دارو است،

ساختار فیلم

قصه با ورود خسرو به خانه ی برادرش (ناصر) خیلی سریع به پیش می رود و در همان اوایل فیلم خسرو ساعت چهار صبح صدای موزیک را زیاد می کند و با ناصر و شایان (پسر ناصر) شروع به رقصیدن می کند.

فیلمساز سعی ندارد، مخاطب را در تعلیق بگذارد یا به خرده جزئیات بی ثمر پردازد بلکه با استفاده از یک محتوای غنی به یک فرم منسجم برسد که به ثمر رسیده است، فیلمساز (بیگری) با توجه به ابعاد گسترده خطِ درام فارغ از هر گونه اضافه گویی به شخصیت های فیلمش می پردازد، با اینکه فیلمساز اولین فیلمش را کارگردانی می کند اما درگیر خرده جزئیات نمی شود و روند قصه در مسیر اصلی حرکت می کند.



درک معنا



مساله مهم ديگر در بحث شخصيت‌پرديزي، اينگونه بيماران است. خسرو از ناصر و ميترا سالم تر است چرا كه ما برخورد مناسبى را از ناصر و ميترا نمى بينيم تخت هاى خواب شان از هم جداست ناصر به دليل رانندگى ميترا در مركز شهر با او دعوا مى كند يا به ميترا دروغ مى گويد و از مهم تر ناصر خسرو را مى زند يا در سكانسى دست هاى او را به تخت مى بندد يا به او تعدادى قرص خواب مى دهد كه خودش مصرف مى كند وقتى هم كه خسرو به كمال مى رود ناصر از قرص دادن به خسرو حرفى نمى زند، سكانس آخر به درستي گره گشايى مى شود وقتى كه خسرو فيلم ناصر را در تبلتش مى بيند كه چگونه دست هاى او را به تخت بسته نگاه چشم در چشم خسرو به ناصر از طريق آينه ي ماشين، بنا به ديالوگ او ايل فيلم كه خسرو به ميترا مى گويد آدم ها در فيلم هاى كه از شان گرفته مى شود خود واقعى شان اند، درك مى كنيم ناصر هم از يك نوع بيمارى روانى رنج مى برد اما او به واسطه ي دارو آن بيمارى را مهار ميكند و نمى گذارد كسى از بيمارى اش خبردار شود. نگاه چشم در چشم ناصر و خسرو پرده بردارى از بيمارى نهفته ي ناصر است، كه بيگلى به درستي فيلمش را در نقطه ي مناسبى به پايان مى رساند.

آدم‌ها در فيلم‌هاى كه از شان گرفته
مى شود خودِ واقعى شان اند

آينه نشانه‌گذاري جذابى براى نشان دادن ارتباط ناصر و
خسرو در لحظات پايانى فيلم است.

اتفاقاتی که روانکاوان معتقدند منجر به انواع افسردگی می شود و در این فیلم به درستی و ریشه‌ای به آن پرداخته شده است.

فـرامتن:
روانشناسانه فیلم

دیدگاه روانکاوی: روانکاوی یعنی کاوش در روان انسان

۱

عشق یک عامل عجیب افسردگی است. وقتی عشق می‌ورزید اولین علامتش افسردگی است. افسردگی دارید که میشه یا نمیشه. می‌بینم یا نمی‌بینم. عشق به طور رسمی یعنی نقطه اوج دوست داشتن. مبالغه در این کار ما را افسرده می‌کند. عاشقان می‌خواهند در یک غلاف باشند. همدیگر را نبینند افسرده می‌شوند. افسردگی ناشی از عشق. افسردگی جزو امراض عاطفی است.

۲

غافل بودن از بچه باعث افسردگی می‌شود. بچه برای تحجیب خود بی‌خودی گریه می‌کند. می‌خواهد محبت ببیند. بچه‌ها عشق می‌خواهند. یکی از ریشه‌های روانکاوی افسردگی تروما است. افراط در عزاداری‌های متعدد. مرگ و میرهای متعدد اینها زمینه‌های افسرده شدن را فراهم می‌کند.

۳

محبت بیش از اندازه و افراطی به کودکان، اگر به بچه‌ها هر چه خواستند دادیم آنها کاندید افسردگی هستند، بنابراین گاهی چیزهایی را ندهید، سرویس‌های فوری و مهربانانه ما تا یکسالگی و یکسال و نیمه‌گی باید خواسته‌های بچه را با تاخیر بدهیم. طولانی مدت یک مادری مریض است. دو سال زمین‌گیر است. مریضی‌های طولانی که در خانه ایجاد غصه‌های طولانی می‌کند به ویژه از طرف مادر.

۴

از دست دادن معبود (loss). اولین معبود ما مادر ماست. تمامی مردمی که در بچگی مادر از دست دادند استعداد افسردگی دارند. به معیار خیلی گسترده‌ای مادرهایی که کارمند هستند زمینه‌های افسردگی نوزادان خود را فراهم می‌کنند. دعوای طولانی پدر و مادر باعث افسردگی می‌شود. اگر مادر ما را دوست نداشته باشد.

روایت فیلم

ناصر و خسرو هر دو به یک بیماری ارثی مبتلا هستند اما ناصر به دلیل توجهات بیشتر از سوی خانواده دکتر شده است، (ناصر هم اوضاع و احوال روحی مناسبی ندارد خوردن قرص، تخت یک نفره اش در اتاق که انگار مبتلا به انزوای روحی ست اصرار به ناراحتی اعصاب همسرش و ایجاد محدودیت برای پیشرفت میترا نشانه از بیماری ناصر است که در شخصیت او نهفته شده، انگار قبل از اینکه موضوعیت فیلم به خسرو مربوط باشد، ناصر و میترا هسته ی مرکزی درام هستند میترا به عنوان دندان پزشک به دلیل ضعف در تمرکز به بیمارش آسیب می رساند و بعد از آن ناصر تصمیم می گیرد مرتضی (همکار مشترکشان) را جانشین او کند

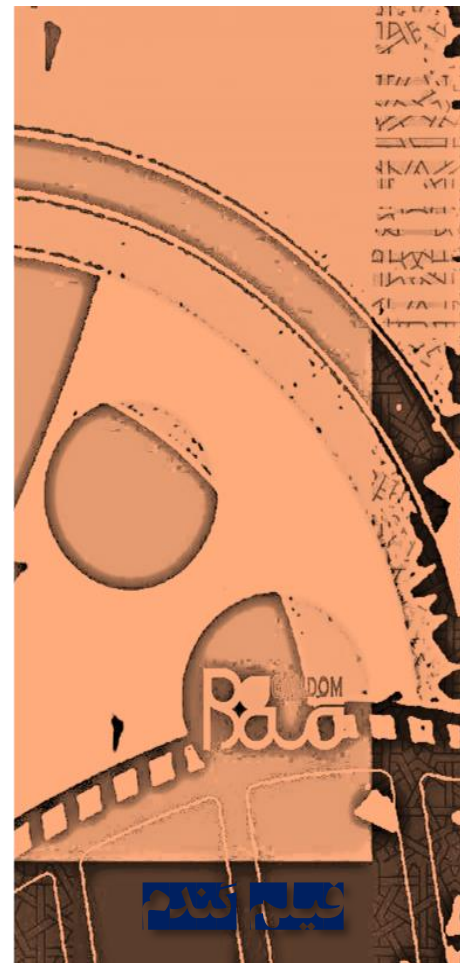


این فیلم یک اثر آموزشی است که چگونه باید با یک بیمار دوقطبی برخورد کنیم.

فیلم گندم

نکته قابل تامل

این فیلم اگر به روابط (میترا و ناصر) بیشتر می پرداخت شاید جذابیت و شخصیت پردازی کامل تری به دنبال داشت. اتفاقاتی که میان ناصر و میترا رد و بدل می شود می توانست به جذابیت فیلم بیفزاید و مخاطب با چهره ی زیر نقاب کشیده شده ی ناصر آشنا شود، شاید دلیل این کار فیلمساز آسیب ندیدن خط اصلی داستان و پرداخت به خسرو (بیمار دو قطبی) باشد.



فیلم گندم

دیالوگ‌هاک اثرگذار

آدم‌ها در فیلم‌هایی که از شان گرفته
می‌شود خود واقعی شان اند

نشریه گندم، با مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه علامه طباطبائی

• به شماره ۷/۳۶۵۰۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۱۱



پنشنه و نشر طباطبائی

کانون فرهنگی هنری گندم

با مجوز از جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبائی

شماره ۱۳۹۹/۰۴/۰۱، مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱۴ ص

کانون فرهنگی اجتماعی «گندم» از فروردین ۱۳۹۹ فعالیت خود را در فضای مجازی، با هدف تولید و معرفی محتوای فرهنگی «سالم» آغاز کرد و با گرفتن مجوز جهاد دانشگاهی واحد علامه طباطبایی به کار خود ادامه داد.

بنا به مسیر پویا و توفیقات در این مسیر در شهریور ماه همین سال مجوز «ماهنامه گندم» نیز از سوی معاونت فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی صادر شد. گروه گندم با بهره‌مندی از نیرو و ظرفیت جوانان دانشجو در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله قرآن، کودک، خانواده، فیلم، کتاب، اقتصاد، کلام، اخلاق، عفاف و اعتیاد فعال است و سعی دارد محتوای تولیدی خود را در قالب نشریه‌ای الکترونیکی و با موضوعاتی متنوع عرضه نماید. این نشریه به مناسبت «اربعین» منتشر شده است، و در راستای گام نهادن در این مسیر تقدیم دوستان گروه گندم می‌شود.